



پژوهش‌کار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کتب‌دوست محمدعلی جمال‌زاده

شماره اول آذر ۱۳۵۱

ظهور زرتشت پیامبر ایرانی

در پاریس

(قسمت چهارم)

۱۷۵۴ از پاریس برآه افتاده بودم.»
گفتیم اکنون باید دید
هموطنانش چه پاداشی باین جوان
دادند. گوش بدهید تا برایتان

گنراندم و شش سال آنرا در خاک
هندوستان بودم و در سال ۱۷۶۲
به فرانسه برگشتم ، فقیرتر و
تهی‌دست تر از روزی که در سال

۲۱ سال پیش ازاین) پاریس
برگشت و در یادداشت‌هایش دیده
شد که نوشته بوده است :
« هشت سال دور از وطنم

در پایان قسمت سوم این
گفتار گفتیم که انکتیل پس از سفر
دور و دراز هشت ساله خود در
روز ۱۵ مارس ۱۷۶۲ - درست

حکایت کنم :

نمک ناشناسی

دنیا و مردم دنیا

در این باب در کتابها چنین نوشته‌اند :

« بیچاره نمیدانست که هنوز در همان قدم اول و هنوز دهان باز نکرده بجانش خواهند افتاد و هیچ نسبت زشت و افترائی نیست که با او نبینند . »

داستان غم‌افزای حمله‌های شدید که بی‌انصافانه از اطراف یعنی از طرف علما و فضلا و مورخین و نقادان فرانسه و انگلستان و آلمان بسوی جوان بینوا روان گردید محتاج مقاله دیگری است و بدون مبالغه دنیائی است از عبرت .

آن همه فداکاری و بی‌طمعی و عشق بدان‌ها را نمیتوانستند باور کنند و مصداق کلام مولوی شده بودند آنجا که میفرماید :

« در عدم تحریرها بین بابیان و ز سوادش حیرت سوادثیان »
« از خیالی گشتن شخصی پرشکوه روی آورده بپمندان و کوه »
« از خیالی آن دگر با چندم روزنهاده سوی دریا بهر در »
روح بینوای آنها با عوالمی سرورگار داشت که روزنه‌ای بسوی روح آنکتیل نداشت و :

« قبله جان را چو پنهان کرده‌اند »
« هرکسی رو جانبسی آورده‌اند »
گفتند دروغزن و نادرست و جهال و بیدین و بی‌ایمان است و باید اورا با هر آنچه نوشته و با خود آورده است در آتش سوزانید . گفتند نمک فرانسه است و به وطنش فرانسه خیانت کرده است و باید نامش را از صفحه روزگار محو و نابود ساخت .

کسی که از همه بیشتر باو ناخت و نامزنا نوشت جوانی بود انگلیسی موسوم به ویلیام جانی (۱) که بعدها از شرقشناسان و خصوصا از هندشناسان مشهور گردید و از کرده خود سخت پشیمان شد . بعدها هنگامی که یک نفر از خاورشناسان نامدار فرانسوی در پاریس درباره خدمات علمی گرانقدر آنکتیل سخنرانی کرد گفت « از تکرار آن همه حرفهای زشت شرم دارم . » از

عجایب آنکه خود این جوان انگلیسی هم بهرود ایام که دارای دانش و معرفت بیشتری شد و چشمش قدرت دیدن حقیقت و کوشش استعداد شنیدن حقیقت را (که بزرگترین نعمت آسمانی است) پیدا کرد از کرده خود پشیمان گردید و باشتیاب و گناه خود اعتراف نمود بطوریکه وقتی در سال ۱۷۸۶ میلادی موسی « انجمن آسیائی بنگاله » (از موسسات بسیار مشهور) گردید آنکتیل باو تهنیت نوشت .

سالها میگذشت و اهانت و بی‌انصافی در حق آنکتیل فروکش نمیگرد . او با بی‌اعتنائی (۲) شگفت آمیزی راه خود را می‌پیمود . با فقر و فاقه شدیدی دست بگیربان بود و با چشمانی که سخت ضعیف شده بود بدست بقول یک نفر از خاورشناسان « مانند یک خواری واقعی برهمنان » در کوزه‌ها و خیابانها دیده میشد که بطرف کتابخانه‌ها روان است و در پی کار و ابدال خوش است و دنیا را گونی فراموش کرده است . کلمات قصاری از وی یادگار مانده است که شاید هر یک از اولاد آدم خوب است آقا ورد زبان خود سازد چون در حکم حقیقتی است از حقایق جاودانه . گفته اوست که :

پیری و بیستینی

« منتظر حقیقتی نباشید تا با نمک ناشناسی سرورگار پیدا نکند . »

کم کم رفیق ما جوانی را شناختیم سر نهاده و بان مرطعاتی رسیده است که فردوسی (آنکتیل هزار سالی پیش) در حقش فرموده « مصیبت بود پیری و نیستی . »

سرتاسر کشور فرانسه در آتش انقلاب بزرگ (که در سال ۱۷۸۹ میلادی یعنی ۱۸۳ سال پیش از این و هشت سال پس از جلوس فتحعلی شاه قاجار بتخت سلطنت شروع گردید) میسوخت و سرتاسر بهنه جهان درس انقلاب میدادولی آنکتیل چنان مستغرق در عوالم خود بود که اعتنائی بدان نداشت چنانکه در حقش نوشته‌اند در آن اوقات که شب آستن حوادث دنیای بگلی تازه‌ای را میزاید او

« فیلسوف گدائی بود ، بدون کینه در دل و آرزوی دسر . »
در ماه اوت سال ۱۷۹۵ حکومت انقلابی خواست به اسم « پادشاه ملی » حقوقی برایش مقرر دارد که زیاد از تنگدستی در زحمت نباشد اما او با نهایت ادب ابلاقیه رسمی را پس فرستاد و همینقدر نوشت احتیاجی ندارم و ممنونم .

در باره وضع او در آن اوقات چنین نوشته‌اند :
« مدتها بود عادت کرده بود که بر تمام احتیاجات خود مسلط و چیره گردد . پادشاهانه بر نفس خود حکمفرما بود و اعتقاد استوار داشت که او در آن تاریخ دوسرتاسر خاک فرانسه تنها آدمی است که سعادتمند است . »

نامه‌ای از او بدست آمده است که در همان اوقات که شش به ۶۴ سالگی رسیده بود یک نفر از اعضای حکومت (دیرکتور) (۳) نوشته است و در آنجا چنین میخوانیم :

« ای همشهری ، ای مدیر ، مستعفی است نظری بوضع و احوال من بنده‌اید . من هیچ شکوه‌ای ندارم و کاری را که انجام داده‌ام کلری میدانم که میبایستی انجام داده باشم و بدانید که اگر باز هم لازم باشد حاضریم یکبار دیگر از سر انجام بدهم . »

روز و شب مشغول کارهای علمی خود بود . مقام میخواند و شرح و تفسیر می‌نوشت و ترجمه میکرد .

نان و قدری شیر

اندکی پنیر و آب چاه با مرارت و دقت هر چه تمامتر سرگرم ترجمه « اوبانیساد » کتاب مذهبی بسیار مهم هندیها بود . در مقدمه بر آن ترجمه چنین می‌خوانیم :

« نان و قدری شیر و اندکی پنیر و آب چاه ، این است غذای روزانه من که روی برشته برایم به چهارشاهی (۴) تمام میشود که یک دوازدهم یک رویه هندی است . بدون آتش زندگی میکنم ، حتی در سرمای زمستان و هیچ نمیدانم پتو و لحاف بر نرم و گرم چیست ... »

با کارهای ادبی (۵) عمر میگذرانم . نه حقوق و وظیفه‌ای دارم و نه مقام و مرتبه‌ای و با وجود این حال مزاجی‌ام نسبت به سن و سالم و پس از آن همه کارهایی که در گذشته انجام داده‌ام خوب است . نه زنی دارم و نه بچه‌ای و نه نوکر و خدمتکاری . از مال دنیا چیزی در دست ندارم و بگلی تنها و متفرد و کاملاً آزادم و تمام مخلوق دنیا را بخصوص آدمهای درست و با ایمان را خیلی دوست میدارم و با هوا و هوسها بسختی مبارزه میکنم ... و با تمام قوای روح سبکم متوجه میدام کل هستم و با آرامی و سکینه درونی در انتظار روزی نشسته‌ام که بدین متلاشی گردد .

نامه‌ای هم از او در دست است که در تاریخ ۲۰ مارس ۱۸۰۰ (یعنی در سن ۶۹ سالگی) بخاورشناس بسیار معروف موسوم به دوساسی (فرانسوی) نوشته است . در آن نامه چنین نوشته است :
« اگر خداوند باز بدست راستم که گاهی دیگر از کار کردن عاجز میماند قوتی عطا فرماید قول میدهم که هر پنج جلد « فرهنگ زند و لاتین و فرانسوی » را بیابان برسانم . »

در جای دیگری ، باز در همان ایام چنین نوشته است :
« کارم بیشتر دارد و بجلو میرود . اکنون هفتاد و سه سال از عمرم میگذرد و در این سن و سال نباید از مصائب پیری نالید بخصوص اگر با وجود جسم ضعیف و درهم شکسته و ناتوان سعادت یار و روح و روان « آرامی و بپرامی و صلح و صفا باشد . » (۶)

پس باز یک بار دیگر این سخن پرمفرد و نیروبخش را تکرار میکنم و مابقی مطلب را برای شماره آینده (انگین) میگذارم : (همم الرجال ، تعلق الرجال) (همت مردان کوه را از جا میکند) .

ژنو ، اول آذر ۱۲۵۱
سید محمد علی جمالزاده

(۱) William Janes

(۲) متولد در لندن در سال ۱۷۴۶ و متوفی در همان شهر در سال ۱۷۹۴ میلادی .

(۳) در این اواخر بسیاری از جوانان ما بجای « بی‌اعتنائی » بقیه در صفحه ۶۳

دنیا در سال (بقیه)

زورمند افزایش جمعیت در هندوستان، موجب شده است که گرچه نواحی بزرگی از زمین های کشور خشک یا نیمه خشک و یا ناهموار است، با وجود این ۵۰ در صد از مساحت کل مملکت اشغال شده باشد. اگر افزایش سیل گونه جمعیت بیشتر از این ادامه پیدا کند، تمام بنیین اجتماعی، اداری و سیاسی فرو خواهد ریخت. وانگهی، حتی در اینگونه مواقع نیز نمی توان گفت که در چه مرحله غذا بصورت یک عامل محدود کننده در خواهد آمد. در سه مورد فوق، یعنی پاکستان شرقی، جاوه و هندوستان امیدهای فراوانی برای بالا بردن میزان تولید در واحد سطح وجود دارد. اگر چندین صد میلیون دلار برای مهار کردن سیل و انجام آبیاری پیدا شود، پاکستان شرقی می تواند در سال سه محصول برداشت کند. این مبلغ در قیاس با هزینه پیاده کردن انسان بر روی ماه، یک بار یا دو بار در سال رقم کوچکی است. حالا بماند که هر سال رقم بزرگتری صرف تولید سلاح هائی میشود که خوشبختانه قبل از اینکه سرمایه

گذاریشان بازدهی بدهد کهنه و متروک میشوند. حتی در اینگونه موارد که مسئله جمعیت خیلی حاد است، تمام توجه ما نباید به نسبت مقدار مواد غذایی به تعداد جمعیت معطوف گردد.

زاین بازمین های زراعی کمتر از شش میلیون هکتار و ۱۰۰ میلیون جمعیت از لحاظ فراهم آوردن مواد غذایی دچار اشکال نیست. برای تفکر و عاقبت اندیشی دلایل دیگر و مهمتری نیز هست. اول اینکه باید برای فراهم آوردن مواد شیمیائی لازم برای تولید مقادیر بزرگ مواد غذایی چاره ای اندیشید. در این مرحله، مجبور بارائه ارقامی هستیم که تغذیه بنظر میرسد، ولی در هر حال من باید مقصود خود را بوضوح بیان کنم. ادامه دارد

حواشی

- (۱) بعلاوه، منطقه معتدل آمریکای جنوبی که همان انگارهای باروری اروپائی و آمریکای شمالی را حفظ کرده اند، نویسنده.
- (۲) Fertility

Age-Structure (۳)

(۴) با فرض اینکه امیدبزندگی در سال درسال ۲۰۰۰ به ۷۵ سال برسد و بعضی فرض دیگر، نویسنده.

Basin (۵)

(۶) مراجعه شود به

Possibilities of Increasing World Food Production, W. H. Pawley. 1963.

(۷) مراجعه شود به

Land for Tomorrow, L. Dudley Stamp. 1963.

(۸) مراجعه شود به

Population-Growth and Land Use. 1967.

اگر مانند مرکز کلکته درسال

۱۹۵۱، در هر هکتار ۸۴ نفر زندگی کنند این مساحت به نیم میلیون کیلومتر مربع تقلیل پیدا می کند. نویسنده.

(۹) یعنی ۳ میلیارد با ۳

برداشت درسال که میشود ۹ میلیارد با اضافه ۳ میلیارد تولید یک محصول. نویسنده.

(۱۰) متوسط نسبت کشت دنیا

از یک محصول درسال کمتر است این متوسط ممکن است در بعضی

نقاط به ۳ محصول در سال برسد. نویسنده.

(۱۱) محصول غلات اروپا

۱۰ برابر رقم متوسط دنیاست. به کتاب مرجع (۳) مراجعه شود. نویسنده.

(۱۲) برای محصولات غیر غذایی

رقمی در نظر گرفته نشده است، زیرا که محصولات ترکیبی را می توان جایگزین آنها کرد. در هر حال رقم مربوطه از ۳ درصد مساحت زیرکشت دنیا فراتر نمی رود. نویسنده.

(۱۳) مترجم بهتر میدانست

«عقب مانده» ترجمه کند ولی از متن اصلی پیروی کرد.

Gross Domestic (۱۴)

Product = GDP

Effective Demand (۱۵)

یعنی تقاضائی که برای برآورد آن قدرت خرید وجود داشته باشد. مترجم.

(۱۶) چون شاخص افزایش

جمعیت در کشورهای در حال توسعه ۱۲۵ درصد است و میزان اضافه محصول ۵ برابر پس ۱۲۵ ÷ ۵ = ۲۵. نویسنده.

برمودا



برای آقایان و جوانان
در تمام فروشگاه های کفش ملی

کفش ملی

در خدمت ملت ایران



ظهور زرتشت (بقیه)

«بی تفاوتی» (که ظاهرا ترجمه از زبانهای فرنگی است) مینویسد و البته همان «بی اعتنائی» درست تر است.

(۳) چنانکه در تاریخ انقلاب فرانسه میخوانیم در آن اوقات حکومت در فرانسه بدست گروهی از انقلابیون افتاد که با عنوان «دیرکتوار» («مدبری») از تاریخ اکتوبر ۱۷۹۵ امور را بدست گرفتند و چهار سالی پس از آن در ماه نوامبر ۱۷۹۹ ناپلیون بحکومت آنها پایان بخشید.

Quatre Sous (۴)

(۵) مقصود «ادبیات» بمعنی اعم این کلمه است که یا کتاب و کاغذ و قلم و نگر و تحقیق سر و کار دارد.

(۶) من که جلال زاده هستم الان وقتی بدینجا رسیدم بیادم آمد که در همین فواخر از کشیش محترم و ایرانشناس معظ کومناس که در پاریس اقامت دارم و می دانستم که مدتهاست بستری است و دستش از کار ایستاده است نامه مختصری که با ماشین تحریر نوشته شده بود بدستم رسید مشعر بر اینکه خدا را شکر مشغول کارم هستم و ترجمه کتابی از کتاب های زرتشت که سی سال است مشغول کار آن هستم دارد پایان میرسد و امیدوارم هرچه زودتر بچاپ برسد و یک نسخه از آن برایتان بفرستم. حقا که چنین موجوداتی زینت دنیا و افتخار نوع بشر هستند!